

بررسی علل بی انگیزگی دانش آموزان دختر به فعالیت ورزشی

سارا سلطانی ها

دانشجوی کارشناسی پیوسته تربیت بدنی ، دانشگاه فرهنگیان نسیمیه تهران ، ایران.

soltaniha.80.sara@gmail.com

آتنا حدادی

دانشجوی کارشناسی پیوسته تربیت بدنی ، دانشگاه فرهنگیان نسیمیه تهران ، ایران.

Atenahadadi79@gmail.com

چکیده

در میان عوامل متعدد تاثیرگذار بر تثبیت یادگیری یادگیرندگان، انگیزش و نشاط نقش برجسته ای را ایفا می نماید. بدون انگیزش و نشاط، یادگیری ممکن نیست و جایی که یادگیری نباشد تدریس وجود ندارد. دانش آموزان با تشویق و توجه و نشاط به یادگیری اشتیاق داشته و سختکوش هستند. دانش آموزان در درس هایی موفقیت بیشتری کسب می کنند که نسبت به آن موضوعات انگیزش و نشاط بیشتری دارند. یک جاندار برانگیخته در مقایسه با یک جاندار ناانگیخته با نیرو و کارایی بیشتری در یک فعالیت درگیر می شود. هنگامی که دانش آموزان با بی علاقه‌گی درس می خوانند، فقط به خاطر پاداش بیرونی تکلیف را انجام می دهند و وقت خود را صرف چیزهایی می کنند که با تکلیف یادگیری مغایر است. معلمان می گویند آنها بی انگیزه اند. همچنین زمانی به نداشتن انگیزش اشاره می شود که دانش آموزان آشکارا از پرداختن به تکلیف یادگیری خودداری می کنند و یا از عهده اعمالی که به آنها کمک می کنند تا به طور موفقیت آمیزی آن را تکمیل کنند، بر نمی آیند.

واژگان کلیدی: انگیزه ، کودکان ، اصول و روش ، ایجاد ، علاقه .

مقدمه

انگیزش هم هدف است و هم وسیله. به عنوان هدف ، ما از دانش آموزان و دانشجویان می خواهیم نسبت به موضوع های علمی و اجتماعی علاقه کسب کنند ، از این رو تمام برنامه های درسی که برای آنها فعالیت های مربوط به جنبه های عاطفی در نظر گرفته شده است دارای هدفهای انگیزشی هستند. به عنوان وسیله ، انگیزش به صورت آمادگی روانی یک پیش نیاز یادگیری به حساب می آید و تاثیر آن بر یادگیری کاملا آشکار است. اگر دانش آموزان و دانشجویان نسبت به درس بی علاقه باشند به توضیحات معلم توجه نخواهند کرد ، تکالیف خود را با جدیت انجام نخواهند داد و بالاخره پیشرفت چندانی نصیب آنها نخواهد شد. اما اگر نسبت به درس علاقمند باشند ، هم به توضیحات معلم با دقت گوش خواهند داد ، هم تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد ، هم به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه مطالب درسی خواهند رفت ، و هم پیشرفت زیادی نصیب آنها خواهد شد . شعاری نژاد ، بدون انگیزش و نشاط ، یادگیری ممکن نیست و جایی که یادگیری نباشد تدریس وجود ندارد . حال باید دید تشویق و توجه و نشاط و انگیزش و نشاط در روان شناسی یادگیری چه معنا و مفهومی دارند . اصطلاح تشویق و

توجه و نشاط در زندگی روزانه به معانی وسیع تر از معنای روان شناسی به کار می رود زیرا تمام عاداتها ، محرکهای خارجی ، هیجان ها و هدف ها را شامل می شود . گروه دیگری از روان شناسان معتقدند که : تشویق و توجه و نشاط ، هر حالتی در فرد است که او را به انجام دادن فعالیت معینی تحریک و متوجه می نماید و میزان فعالیت او را معین و محدود می کند. بعضی ها نیز می گویند : تشویق و توجه و نشاط ، آن نیروهای کشاننده هستند که فرد را به انتخاب، انجام دادن یک عمل، یا ترجیح یک فعالیت بر فعالیت دیگر وادار می کنند. (سیف، ۱۳۸۷)

انگیزش مهم ترین شرط یادگیری است .علاقه به یادگیری محصول عواملی است که به شخصیت و توانایی دانش آموز ،ویژگی های تکالیف ،مشوقها و سایر عوامل محیطی مربوط می شود.چه عواملی باعث می شود که برانگیختگی دانش آموزان (به دلیل آثار بلند مدت آن در یادگیری و خود باروری در دانش آموزان)برای والدین و معلمان با ارزش باشد.دانش آموزان با انگیزه به راحتی شناخته می شوند.آنها به یادگیری اشتیاق داشته ،علاقمند، کنجکاو،سختکوش و جدی هستند. این دانش آموزان به راحتی موانع و مشکلات را از پیش پای خود بر می دارند ،زمان بیشتری برای مطالعه و انجام تکالیف مدرسه صرف می کنند ،مطالب بیشتری می آموزند و پس از پایان دوره دبیرستان به تحصیلات ادامه می دهند. انگیزش را می توان به عنوان یک فرایند مداخله کننده با یک حالت درونی جاندار دانست که او را وادار یا ترغیب به عمل می کند به عبارتی دیگر می توان گفت انگیزش نیرویی است که به رفتار نیرو می دهد و آن را هدایت می کند .همانگونه که یک نیرو اشیاء را به حرکت در می آورد ،انگیزش نیز شخص را به حرکت در آورد. (اسکینر و بلمونت، ۱۹۹۳)

تلاش اغلب معلمان، به جای افزایش انگیزه یادگیری در دانش آموزان ،اغلب صرف آرام ساختن و منضبط نگه داشتن کلاس می شود. هر کاری که تقریبا معلمان در کلاس انجام می دهند، از جمله نحوه ارائه اطلاعات، نوع تمرینهای مورد استفاده، شیوه تعامل با دانش آموزان و فرصتهایی که به دانش آموزان برای تمرین انفرادی یا گروهی، اثر انگیزشی بر روی دانش آموزان دارد. دانش آموزان بر اساس اینکه شما (چه کسی) هستید، (چه کاری) انجام می دهید و با توجه به میزان آرامشی که در کلاس شما احساس می کنند ، به شما واکنش نشان می دهند. با وجود این اثرات انگیزشی متعدد، معلمان ابزار کمی برای درک انگیزش و نحوه افزایش آن در دانش آموزان خود دارند (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۲).

منظور از انگیزش و نشاط شایستگی آن است که افراد بر انگیزته می شوند تا با محیط خود به طور موثر برخورد کنند ، بر دنیای خود مسلط شوند و اطلاعات به طور موثر پردازش نمایند . مردم این کارها را از آن جهت انجام نمی دهند که نیازهای زیستی شان را ارضاء کنند ، بلکه به این سبب به این کارها دست می زنند که برای تعامل موثر با محیط دارای انگیزش و نشاط درونی هستند. برای شناختگراییان انگیزش و نشاط درونی مهمتر از انگیزش و نشاط بیرونی است . انگیزش و نشاط بیرونی از پاداش بیرونی سرچشمه می گیرد ، در حالی که منشا پاداش در انگیزش و نشاط درونی در کاری که انجام می گیرد نهفته است . به سخن دیگر انگیزش و نشاط بیرونی انگیزش و نشاطی است که به وسیله عوامل خارج از فرد و خارج از کاری که انجام می گیرد بر انگیزته می شود ، مانند پاداش و تنبیه، در حالی که انگیزش و نشاط درونی به کاری که انجام می گیرد وابسته است ، مانند اشتیاق فرد برای انجام آن کار (ذوفن، ۱۳۷۷).

بحث و نتیجه گیری

تشویق و توجه و نشاط برای یادگیری موضوعی است که در دهه های اخیر به طور فزاینده ای مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است . اما مطالعات اندکی در حوزه تشویق و توجه و نشاط برای یادگیری صورت گرفته است . فرآیند های کنترل اولیه معطوف به تغییرات جهان به سوی کنترل محیط مطابق خواست فرد است. در مقابل ، فرآیند های کنترل ثانویه معطوف به تغییر خود مطابق مسیر نیروی های محیطی است . این دو فرآیند با همدیگر به بهینه سازی حس فرد از کنترل ، حتی زمانی که

شرایط، ظرفیت فرد برای کنترل را محدود می‌کنند می‌پردازند. تشویق و توجه و نشاط افراد در سراسر عمر خود وابسته به توسعه تطبیقی میزان کنترل خود از محیط است. تلاش انسان در سراسر عمر در جهت، تامین غذا، سرپناه، جفت یا همسر، مراقبت از فرزند و سلامتی است. این عوامل، مولفه‌های کنترل اولیه محسوب می‌شوند. در واقع می‌توان گفت مولفه‌های کنترل اولیه متناسب با سطح اول و دوم هرم مازلو است. با تامین این نیازها و زوال کنترل اولیه، کنترل ثانویه در دوره‌های بعدی زندگی انسان بروز می‌کند و تشویق و توجه و نشاط فرد را برای ادامه زندگی را تقویت می‌کند. توجه به کار، خانواده، تفریحات و آگاهی از مولفه‌های کنترل ثانویه است. فرد برای حفظ این مولفه‌های تشویق و توجه و نشاط لازم برای فعال بودن و آموزش را تا پایان عمر حفظ می‌کند. این دیدگاه، دیدگاهی رفتارگرایانه در باره تشویق و توجه و نشاط انسان به یادگیری است و در قالب تئوری کنترل منتج شده از رویکرد رفتاری عمل می‌کند (ساعتچی، ۱۳۷۴).

نحوه درک فرد از دلایل موفقیت و شکست هایش منبع اصلی انگیزش و نشاط است. با توجه به اینکه موفقیت هر مدرس به میزان انگیزش و نشاط یادگیری فراگیران بستگی دارد پس در برنامه‌ریزی نوین آموزشی باید سعی مدرسین بر این باشد که از روش‌های موثر برانگیختن دانشجویان برای یادگیری مطلع بوده و آنها را بکار گیرند. یکی از وظایف اصلی مدرسان ایجاد تشویق و توجه و نشاط لازم برای یادگیری در دانشجویان به منظور افزایش میزان آگاهی، دانش و مهارت‌های تکنیکی و همچنین آشنا ساختن آنها با علوم پیشرفته و روش‌های نوین مراقبتی است. لذا با شناخت هرچه بیشتر عوامل موثر در انگیزش و نشاط دانشجویان میتوان مشارکت فعالانه آنها را در یادگیری افزایش داد. هر یک از رویکردهای روانشناسی، دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای خاصی در مورد تشویق و توجه و نشاط و عوامل مؤثر بر آن دارند. به همین دلیل به نظر میرسد که وجود دیدگاهی جامع تر منوط به این است که عوامل مختلف روانشناختی و حتی مسائل جامعه‌شناختی مؤثر بر تشویق و توجه و نشاط تحصیلی دانش آموزان مورد توجه و بررسی قرار گیرد. بر همین اساس در پژوهش حاضر سعی شد که با رعایت نوعی جامع‌نگری، رابطه چهار دسته از عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی با تشویق و توجه و نشاط تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد. در راستای این هدف فرضیه‌های اصلی و جانبی مختلفی مطرح شد. بررسی پیشینه پژوهشی و بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات زیادی در مورد عوامل مؤثر بر عملکرد تربیتی و عملکرد آموزشی انجام شده است و رابطه متغیرهای زیادی با عملکرد تربیتی و آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است (موسوی نسب، ۱۳۸۸)؛ اما در زمینه نقش شبکه‌های اجتماعی در عملکرد آموزشی و تربیتی دانش آموزان دوره دوم ابتدایی تحقیقات محدودی انجام گرفته است. همچنین بررسی این پژوهش در جامعه مورد مطالعه نیز جدید و نو است. داده‌های امروزه نظام آموزشی به عنوان یک ابزار مهم و اساسی در رشد و توسعه همه جانبه کشورها شناخته می‌شود، بنابراین، رشد، تحول، اصلاح و بهبود کمی و کیفی آن، از جمله مباحث بسیار مهم هر کشوری است دوره ابتدایی از جمله مهم‌ترین دوره‌های نظام آموزشی است زیرا زمینه شکل‌گیری شخصیت و رشد همه جانبه افراد در آن فراهم گردیده و مناسبترین فرصت برای تحصیل و یادگیری و رشد استعدادهای کودک است اگر کودکان در این سن، مهارت‌های لازم را نیاموزند، فرصت جبران آن در مراحل بعدی رشد بسیار مشکل خواهد بود (بحرینی بروجنی، ۱۳۹۳). آموزش و پرورش، زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه این کشورها، آموزش و پرورش توانمند و کارآمدی داشته‌اند. همچنین در هر نظام آموزشی، عوامل بسیاری با یکدیگر عمل می‌کنند تا یادگیری و پیشرفت تحصیلی برای دانش آموزان حاصل گردد. هر قسمت از این نظام باید به گونه‌ای آماده شود که دسترسی به بازده مطلوب و اهداف مورد نظر میسر شود، زیرا اگر جزئی از نظام از کار باز ایستد، کارایی اجزای دیگر نظام کاهش یافته و صدمه خواهد دید. علاوه بر انگیزش و نشاط پیشرفت، اصطلاح تشویق و توجه و نشاط اجتناب از شکست نیز مطرح شده است تشویق و توجه و نشاط اجتناب از شکست به گرایش فرد برای دوری گزیدن از شرمساری یا تحقیر وابسته به شکست گفته می‌شود. افرادی که در آنها تشویق و توجه و نشاط اجتناب از شکست نیرومند

است موقعیت‌هایی را ترجیح می‌دهند که در آنها نتیجه کار معلوم است و از بودن در موقعیت‌هایی که در آنها نتیجه کار معلوم نیست مضطرب می‌شوند، لذا این افراد از درگیری با تکالیف چالش برانگیز می‌گریزند. یکی دیگر از تفاوت‌های میان افراد دارای انگیزش و نشاط پیشرفت و افراد دارای تشویق و توجه و نشاط اجتناب از شکست پیشکار و اصرار افراد گروه اول در کسب موفقیت است. یعنی اینکه وقتی افراد دارای انگیزش و نشاط پیشرفت قوی در رسیدن به هدف هایشان شکست می‌خورند با جدیت بیشتری به ادامه کار می‌پردازند. در مقابل افراد دارای اجتناب از شکست از کار دست می‌کشند. پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که تشویق و توجه و نشاط اجتناب از شکست با تشویق و توجه و نشاط پیشرفت رابطه منفی دارد (آشتیانی، هادی، ۱۳۸۴).

مطالب آموزش داده شده باید به صورت کاربردی در زندگی روزمره قابل استفاده باشد. لذا برای رسیدن به این مقصود استفاده از وسایل کمک آموزشی بسیار مهم است زیرا تدریسی که حتی الامکان حواس بیشتری را در یادگیری جلب نماید موفق تر است. استفاده از وسایل کمک آموزشی می‌تواند نقش بسیار ارزنده‌ای در جلوگیری از افت تحصیلی و یادگیری مطالب درسی ایفا کند. فناوری اطلاعات و کاربرد آن امروزه آنچنان گسترش یافته است که می‌توان به جرأت گفت که جدا کردن آن از آموزش نوین محال می‌باشد و استفاده از وسائل در آموزش این امکان را به معلم می‌دهد که با اطمینان و آسودگی بیشتر به تدریس مفاهیم علمی و عملی بپردازد. بسیاری از کارکردهای آموزش می‌توانند با رسانه‌های آموزشی گوناگون حاصل شوند. در این زمینه گفته است که استفاده از فناوری اطلاعات در امر تدریس به مثابه استفاده از قایق برای رد شدن از دریا بوده و بیان این نظریه اهمیت استفاده از ابزار فناوری اطلاعات را نشان می‌دهد. فناوری اطلاعات آموزشی به معنای اعم چیز تازه‌ای نیست و قدمت آن را میتوان همزمان با قدمت تعلیم و تربیت غربی قرار گرفته است. متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که توسعه داخلی قرن است که مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت غربی قرار گرفته است. متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که توسعه داخلی فناوری اطلاعات آموزشی ابزارهای آموزشی بعد از سال‌های ۱۸۰۰ میلادی شروع شد و از این تاریخ بود که مواد و وسایل آموزشی یکی پس از دیگری ابداع شدند و در امر آموزش مورد استفاده قرار گرفتند. در سال ۱۹۰۰ در آمریکا اصطلاحاتی از قبیل وسایل دیداری، شنیداری و وسایل کمک آموزشی وارد جریان آموزش و پرورش شد. و تقریباً در حدود سال ۱۹۵۰ به بعد روانشناسان استفاده از روش‌های مختلف ارائه دانش یعنی استفاده از فناوری اطلاعات آموزشی را به عنوان یک تکنیک یا روش در امر آموزش فراگیران مطرح کردند اما همچنان استفاده از ابزارهای آموزشی شدیداً مورد توجه قرار داشت. امروزه منظور روش طراحی، اجرا و ارزشیابی کل فرایند تدریس و یادگیری است نه به کارگیری وسایل و ابزارهای دیداری شنیداری در امر آموزش (احدیان، رضانی و محمدی، ۱۳۷۸).

انگیزه لازم برای یادگیری در دانشجویان به منظور افزایش میزان آگاهی، دانش و مهارت‌های تکنیکی و همچنین آشنا ساختن آنها با علوم پیشرفته و روش‌های نوین مراقبتی است. فرآیند‌های کنترل اولیه معطوف به تغییرات جهان به سوی کنترل محیط مطابق خواست فرد است. در مقابل، فرآیند‌های کنترل ثانویه معطوف به تغییر خود مطابق مسیر نیروی‌های محیطی است. این دو فرآیند با همدیگر به بهینه‌سازی حس فرد از کنترل، حتی زمانی که شرایط، ظرفیت فرد برای کنترل را محدود می‌کنند می‌پردازند. انگیزه و علاقه و نشاط افراد در سراسر عمر خود وابسته به توسعه تطبیقی میزان کنترل خود از محیط است. تلاش انسان در سراسر عمر در جهت، تامین غذا، سرپناه، جفت یا همسر، مراقبت از فرزند و سلامتی است. این عوامل، مولفه‌های کنترل اولیه محسوب می‌شوند. در واقع می‌توان گفت مولفه‌های کنترل اولیه متناسب با سطح اول و دوم هرم مازلو است. با تامین این نیازها و زوال کنترل اولیه، کنترل ثانویه در دوره‌های بعدی زندگی انسان بروز می‌کند و انگیزه و علاقه و نشاط فرد را برای ادامه زندگی را تقویت می‌کند. توجه به کار، خانواده، تفریحات و آگاهی از مولفه‌های کنترل ثانویه است. فرد برای

حفظ این مولفه‌های انگیزه و علاقه و نشاط لازم برای فعال بودن و آموزش را تا پایان عمر حفظ می‌کند. این دیدگاه، دیدگاهی رفتارگرایانه در باره انگیزه و علاقه و نشاط انسان به یادگیری است و در قالب تئوری کنترل منتج شده از رویکرد رفتاری عمل می‌کند. این دیدگاه به درک دقیقی از انگیزه و علاقه و نشاط انسان به یادگیری نمی‌انجامد چرا که با پیش فرض رفتارگرایانه نمی‌توان تحلیل دقیقی در مورد کلیت انسان ارائه دارد از این رو ما به رویکرد‌های دیگر در حوزه یادگیری و ارتباطشان با انگیزه و علاقه و نشاط انسان برای یادگیری می‌پردازیم. انگیزش مبحثی بسیار وسیع است که حوزه‌های علایق، کنجکاوی، سلائیق، نیازها و حتی حیطة عاطفی را در برمی‌گیرد. گرچه عامل وراثت و محیط باهوش و غنی سازی محیط آموزشی و بهبود روش‌های تدریس تا اندازه زیادی در بهبود وضع آموزشی تاثیردارند ولی قلب آموزش انگیزش است انگیزش عامل کلی مولد رفتار به حساب می‌آید در حالیکه انگیزه راعلت اختصاصی یک رفتار مشخص می‌دانند مثلاً وقتی می‌پرسیم که چرا فلان شخص رفتار خاصی را انجام می‌دهد دنبال انگیزه او هستیم. در واقع انگیزش حالت کلی تمایل به پیشرفت تحصیلی است و انگیزه حالت اختصاصی نسبت به درس خاص می‌باشد. انگیزش هم هدف است و هم وسیله، بعنوان هدف ما ز دانش آموزان و دانشجویان می‌خواهیم نسبت به موضوع‌های مختلف علمی و اجتماعی علاقه. کسب کنند از این رو، تمام برنامه‌های درسی که در آنها فعالیت‌های حیطة عاطفی ملحوظ شده است دارای هدف انگیزشی هستند بعنوان وسیله انگیزش مانند آمادگی ذهنی یا رفتارهای ورودی، یک پیش نیاز یادگیری به حساب می‌آید و تاثیر آن بر یادگیری یکی از امور بدیهی است (سیدجوادین، ۱۳۸۶).

5

هنگامی که دانش آموزان با علاقه درس می‌خوانند، فقط به خاطر یاداش بیرونی تکلیف را انجام می‌دهند دو وقت خود را صرف چیزهایی می‌کنند که با تکلیف یادگیری مغایر است. معلمان می‌گویند آنها بی انگیزه اند. همچنین زمانی به نداشتن انگیزش اشاره می‌شود که دانش آموزان آشکارا از پرداختن به تکلیف یادگیری خودداری می‌کنند و یا از عهده اعمالی که به آنها کمک می‌کنند تا به طور موفقیت آمیزی آن را تکمیل کنند بر نمی‌آیند. به هر حال بارها دیده می‌شود دانش آموزان که از لحاظ توانایی و استعداد یادگیری بسیار شبیه به هم هستند در پیشرفت تحصیلی تفاوت‌های زیادی با این تفاوت نه یکدیگر دارند تنها در یادگیری درس‌های آموزشی‌شان بلکه در سایر فعالیت‌های غیر تحصیلی نیز به چشم می‌خورد. این جنبه از رفتار آدمی به حوزه انگیزش در روانشناسی مربوط است و مطمئناً می‌خواهیم بدانیم چگونه علاقه دانش آموزان خود را مخصوصاً آنها را که رغبتی به یادگیری، شناسایی مفهوم انگیزش و آگاهی از انگیزه‌های مختلف به معلم کمک می‌کنند تا در طرح و اجرای برنامه‌های آموزشی خود روش‌های بهتری را بکارگیرد. چرا که انگیزش غالباً از یادگیری استنباط معمولاً یادگیری نشانه انگیزش است. بنابراین تعریف، انگیزش عامل فعال ساز رفتار انسانی است انگیزش. بنا بر نظر شانک فرایندی است که رفتار هدف‌گر از طریق آن راه اندازی و نگهداری می‌شود انگیزه. اصطلاحی است این با رود که غالباً با انگیزش مترادف بکار می‌آید می‌توان انگیزه را دقیق تر از انگیزش بعنوان حالت مشخصی که سبب ایجاد رفتار معین می‌شود تعریف کرد. انگیزش عامل کلی مولد رفتار به حساب می‌آید در حالیکه انگیزه راعلت اختصاصی یک رفتار مشخص می‌دانند. (شانک، ۱۹۹۰)

نحوه درک فرد از دلایل موفقیت و شکست‌هایش منبع اصلی انگیزش و نشاط است. با توجه به اینکه موفقیت هر مدرس به میزان انگیزش و نشاط یادگیری فراگیران بستگی دارد پس در برنامه‌ریزی نوین آموزشی باید سعی مدرسین بر این باشد که از روش‌های موثر بر انگیزش دانشجویان برای یادگیری مطلع بوده و آنها را بکار گیرند. یکی از وظایف اصلی مدرسان ایجاد انگیزه و علاقه و نشاط لازم برای یادگیری در دانشجویان به منظور افزایش میزان آگاهی، دانش و مهارت‌های تکنیکی و همچنین آشنا ساختن آنها

با علوم پیشرفته و روشهای نوین مراقبتی است. لذا با شناخت هرچه بیشتر عوامل موثر در انگیزش و نشاط دانشجویان میتوان مشارکت فعالانه آنها را در یادگیری افزایش داد.

هر یک از رویکردهای روانشناسی، دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای خاصی در مورد انگیزه و علاقه و نشاط و عوامل مؤثر بر آن دارند.

لذا با شناخت هرچه بیشتر عوامل مؤثر در علاقه و انگیزش دانشجویان میتوان مشارکت فعالانه آنها را در یادگیری افزایش داد. مهمترین مؤلفه مؤثر در نظام آموزش، فرآیند یاددهی-یادگیری است. فرآیند یاددهی-یادگیری، الگوی مواجهه استاد و دانشجو در یک فضای آموزشی به منظور تحقق هدفهای معین است. اساتید در این فرآیند با متغیرهای گوناگونی سروکار دارند و برای تدریس اثربخش و ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار دانشجویان نیازمند اطلاعات بیشتر در خصوص چگونگی یاددهی-یادگیری هستند. افراد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت سطح بالا برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا هستند. حتی پس از آنکه در انجام کاری شکست خوردند، از «دست نمی‌کشند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش ادامه می‌دهند. دانش‌آموزان دارای علاقه و انگیزش پیشرفت بالا همواره می‌خواهند موفق شوند و آن را انتظار می‌کشند و وقتی شکست می‌خورند کوششهای خود را دو برابر می‌کنند و به فعالیت ادامه می‌دهند تا موفق بشوند. واضعان اصلی علاقه و انگیزش پیشرفت هستند. آنها در کتاب معروف خود با عنوان انگیزه پیشرفت نوشتند بعضی افراد بلند پروازانه تر از دیگرانند و برای کسب موفقیت در زندگی می‌کوشند. پژوهشهای انجام شده نشان داده اند که افراد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت زیاد در انجام کارها، از جمله یادگیری بر افرادی که از این انگیزه بی بهره اند پیشی می‌گیرند. در رابطه با اینکه علاقه و انگیزش پیشرفت بالا به موفقیت می‌انجامد یا اینکه موفقیت موجب بالا رفتن سطح علاقه و انگیزش می‌شود پژوهشها نتایج مشخصی به دست نداده اند. آنچه معلوم شده این است که علاقه و انگیزش پیشرفت در ابتدا تحت تاثیر تجارب فرد در خانواده است، اما پس از اینکه دانش‌آموزان چند سالی را در مدرسه کسب تجربه می‌کنند موفقیت و علاقه و انگیزش بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. موفقیت اشتیاق برای موفقیت بیشتر را سبب می‌شود که این به نوبه‌ی خود موفقیت را به دنبال می‌آورد. در مقابل دانش‌آموزانی که در نتیجه زحمات خود کسب موفقیت نمی‌کنند، علاقه و انگیزش برای موفقیت در آینده را از دست می‌دهند. نکته‌ای که در اینجا باید به آن اشاره کنیم این است کسب موفقیت در تکالیف آسان برای افراد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت لذت بخش نیست، بلکه کسب توفیق در تکالیف چالش بر انگیز برای این افراد مهم و افتخار آمیز است. همچنین انجام تکالیف بسیار دشوار نیز مورد علاقه‌ی افراد دارای انگیزه پیشرفت قرار نمی‌گیرد. علت آن است که انجام تکالیف خیلی ساده افتخاری نصیب فرد نمی‌کند و تکالیف بسیار دشوار معمولاً به شکست منجر می‌شوند، و این نیز افتخاری نصیب فرد نمی‌سازد. افرادی که دارای علاقه و انگیزش پیشرفت قوی هستند در تکالیفی که دارای درجه دشواری متوسطی هستند توفیق زیادی به دست می‌آورند. یعنی تکالیفی که این افراد در آن حد اکثر جدیت را نشان دهند، تکالیفی هستند که انجام آنها مستلزم قدری خطر کردن است، اینها همان تکالیف چالش بر انگیز هستند. برای یک فرد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت قوی، مقدار لذتی که هنگام موفقیت کسب می‌کند به سطح تصویری چالش وابسته است. با افزایش سطح چالش، لذت همراه با موفقیت نیز افزایش می‌یابد (اسلاوین، ۲۰۰۶).

بهترین راه ایجاد علاقه و انگیزش در یادگیرندگان نسبت به یادگیری بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفیت روشهای آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان در یادگیری به موفقیت بیشتری می‌رسند و این کسب موفقیت علاقه و علاقه و انگیزش آنها را نسبت به مطالب جدید افزایش می‌دهد. در زیر روش‌ها و فنونی معرفی می‌شوند که استفاده از آنها معلمان را در بالا بردن سطح علاقه و انگیزش یادگیرندگان یاری می‌دهد. در تدوین این قسمت از همه نظریه‌های علاقه و انگیزشی و یافته‌های پژوهشی مربوط به یادگیری و علاقه و انگیزش استفاده شده است (عبدالعلیان، ۱۳۷۸)

در بسیاری مواقع، تقویت ملموس به اندازه تشویق های کلامی معلم موثر نیست. استفاده از اظهاراتی چون خوب، عالی و آفرین پس از عملکرد درست دانش آموزان تدابیر موثر علاقه و انگیزشی است موثرترین تشویق آن است که به رفتار و عملکرد درست دانش آموز وابسته باشد. ضمناً معلم نباید بیشتر از اندازه لازم دانش آموز را مورد ستایش قرار ندهد. تشویق بیش از حد اثرش را از دست می دهد و از خاصیت تقویت کنندگی آن می کاهد. دریافت کلماتی از یک منبع با ارزش به عنوان علامتی از تحسین برای دانش آموز دلنشین است. تحسین باید از سوی کسی باشد که به نظر دانش آموز آن شخص با ارزش است. اگر دانش آموز نسبت به معلم خود نفرت داشته و نسبت به او بی اعتنا باشد، تعریف و تمجید معلم برای او تحقیر آمیز و بی ارزش خواهد بود. برای اینکه تشویق کلامی معلم موثر باشد او باید مورد علاقه و احترام دانش آموز باشد. دانش آموزان در درس هایی موفقیت بیشتری کسب می کنند که نسبت به آن موضوعات علاقه و انگیزه بیشتری دارند. انگیزه موفقیت در کارها و تحصیل را به وجود می آورد و به همین تناسب، موفقیت بیشتر باعث انگیزه بیشتر برای ادامه کارها و تحصيلات را فراهم می آورد. بنابراین بر معلمان است که در ایجاد و بهبود انگیزه در دانش آموزان تلاش نموده و زمینه های موفقیت بیشتر را برای آنها فراهم نمایند (شاهمحمدی، ۱۳۹۳).

انگیزه و علاقه و انگیزش غالباً به طور مترادف به کار می روند. با این حال می توان انگیزه را دقیق تر از علاقه و انگیزش دانست، به این صورت که علاقه و انگیزش را عامل کلی مولد رفتار اما انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار به حساب آورد. اصلاح انگیزه بیشتر در اشاره به رفتار انسان به کار می رود. انگیزه برای مشخص کردن قصد یا بازده دلخواه یک رفتار به کار می رود ... پس اصطلاح انگیزه در مورد حیوانات جایز نیست. هنگامی که انگیزه انسان و انگیزه برای یادگیری را در نظر می گیریم به جای دیدن انگیزه به عنوان ساقی ساده، تقویت یا تجلی از رفتارگرایی نشأت گرفته از صفات شخصیتی ثابت، باید انگیزه را صفتی متعالی برشمرد. انگیزه را باید فرایندی دانست که به افکار، احساسات و عمل ما به عنوان گونه ای منحصر به فرد شکل می دهد. (مارتین، ۲۰۱۱).

انگیزه برای یادگیری موضوعی است که در دهه های اخیر به طور فزاینده ای مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اما مطالعات اندکی در حوزه انگیزه برای یادگیری صورت گرفته است.

فرآیند های کنترل اولیه معطوف به تغییرات جهان به سوی کنترل محیط مطابق خواست فرد است. در مقابل، فرآیند های کنترل ثانویه معطوف به تغییر خود مطابق مسیر نیروی های محیطی است. این دو فرآیند با همدیگر به بهینه سازی حس فرد از کنترل، حتی زمانی که شرایط، ظرفیت فرد برای کنترل را محدود می کنند می پردازند. انگیزه افراد در سراسر عمر خود وابسته به توسعه تطبیقی میزان کنترل خود از محیط است. تلاش انسان در سراسر عمر در جهت، تامین غذا، سرپناه، جفت یا همسر، مراقبت از فرزند و سلامتی است. این عوامل، مولفه های کنترل اولیه محسوب می شوند. در واقع می توان گفت مولفه های کنترل اولیه متناسب با سطح اول و دوم هرم مازلو است. با تامین این نیازها و زوال کنترل اولیه، کنترل ثانویه در دوره های بعدی زندگی انسان بروز می کند و انگیزه فرد را برای ادامه زندگی را تقویت می کند. توجه به کار، خانواده، تفریحات و آگاهی از مولفه های کنترل ثانویه است. فرد برای حفظ این مولفه های انگیزه لازم برای فعال بودن و آموزش را تا پایان عمر حفظ می کند. این دیدگاه، دیدگاهی رفتارگرایانه در باره انگیزه انسان به یادگیری است و در قالب تئوری کنترل منتج شده از رویکرد رفتاری عمل می کند.

این دیدگاه به درک دقیقی از انگیزه انسان به یادگیری نمی انجامد چرا که با پیش فرض رفتارگرایانه نمی توان تحلیل دقیقی در مورد کلیت انسان ارائه دارد از این رو ما به رویکرد های دیگر در حوزه یادگیری و ارتباطشان با انگیزه انسان برای یادگیری

می پردازیم. انگیزش محیطی بسیار وسیع است که حوزه های علائق، کنجکاوی، سلاطی، نیازها و حتی حیطه عاطفی را در برمی گیرد. گرچه عامل وراثت و محیط باهوش و غنی سازی محیط آموزشی و بهبود روش های تدریس تا اندازه زیادی در بهبود وضع آموزشی تاثیر دارند ولی قلب آموزش انگیزش است انگیزش عامل کلی مولد رفتار به حساب می آید در حالیکه انگیزه راعلت اختصاصی یک رفتار مشخص می دانند مثلاً وقتی می پرسیم که چرا فلان شخص رفتار خاصی را انجام می دهد بدنبال انگیزه او هستیم. در واقع انگیزش حالت کلی تمایل به پیشرفت تحصیلی است و انگیزه حالت اختصاصی نسبت به درس خاص می باشد. انگیزش هم هدف است و هم وسیله، بعنوان هدف ما از دانش آموزان و دانشجویان می خواهیم نسبت به موضوع های مختلف علمی و اجتماعی علاقه . کسب کنند از این رو ، تمام برنامه های درسی که در آنها فعالیت های حیطه عاطفی ملحوظ شده است دارای هدف انگیزشی هستند بعنوان وسیله انگیزش مانند آمادگی ذهنی یا رفتارهای ورودی، یک پیش نیاز یادگیری به حساب می آید و تاثیر آن بر یادگیری یکی از امور بدیهی است (شمس، ۱۳۸۴)

فهرست منابع :

- آشتیانی، هادی (۱۳۸۴). توصیف و اولویت بندی عوامل انگیزش و نشاط ی معلمان تربیت. بیژنی، مسعود. (۱۳۹۰) بررسی مفهوم و جایگاه انگیزش و نشاط در برنامه های آموزش بزرگسالان . مجله کار و جامعه ؛ شماره ۱۱. تهران: انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی.
- بحرانی محمود. (۱۳۸۴) مطالعه انگیزش تحصیلی دانش آموزان متوسطه استان فارس و عوامل همبسته با آن. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز.
- پارسا محمد. (۱۳۹۱) روانشناسی یادگیری بنیاد نظریه ها. تهران: انتشارات بعثت .
- پورصمد، حلاله. (۱۳۷۲). بررسی انگیزش و نشاط های ی معلمان کهگیلویه (دهدشت). دانشخانه، فاطمه. (۱۳۷۳). رابطه میان میزان مقبولیت مدیران بارضایت ی معلمان.
- ساعتچی، محمود (۱۳۷۴). روانشناسی کاربردی برای مدیران در خانه و مدرسه، تهران.
- سیدجوآدین، سیدرضا (۱۳۸۶). مبانی سازمان و مدیریت، نگاه دانش، چاپ دوم .
- سازمان نوسازی مدارس اصفهان. (۱۳۶۹). نشریه معیارهای ساختمانهای آموزشی. اصفهان: واحد تحقیقات ساکی، رضا. (۱۳۷۲). نگرش معلمان در مورد علل شکست و موفقیت تحصیلی دانش آموزان و ارتباط آن با میزان موفقیت آنان در تدریس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۴) روانشناسی پرورشی روانشناسی آموزش و یادگیری . تهران . آگاه.
- شاه محمدی، نیره (۱۳۹۳). صلاحیتها و شایستگی های آموزگار عصر حاضر، نشریه رشد.
- شکرکن، حسین (۱۳۸۱). بررسی روابط ساده و چندگانه عدالت سازمانی.
- شمس، محمدشهاب (۱۳۸۴) فناوری اطلاعات و ارتباطات در عصر آموزش معلمان، انتشارات کمیسیون .
- غال و بورگ. (۱۳۸۲). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه احمد رضا نصر اصفهانی و همکاران، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
- ذوفن، شهناز و لطفی پور، خسرو. (۱۳۷۷). تولید و کاربرد مواد آموزشی (رسانه های آموزشی برای معلم). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- صیامی، توحید. (۱۳۸۰). مدیریت کلاس درس. ماهنامه آموزشی - پژوهشی، تکنولوژی آموزشی.
- عبدالعلیان معصومه. (۱۳۷۸) روشهای تدریس و یادگیری در آموزش. بابل: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی بابل.

ششمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

محل برگزاری: تهران

۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲

رووف، علی (۱۳۷۹). بررسی جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم، تهران .
موسوی نسب ، سید رضا. (۱۳۸۸) تاثیر انگیزه بر یادگیری . مجله اسلام و پژوهش های تربیتی.